



شرح اصطلاحات کتاب فلسفه ی پیش دانشگاهی

سید رضا جلالی
سرگروه فلسفه و منطق
استان مازندران

اشاره

گروه فلسفه و منطق استان مازندران، کار ارزنده‌ای در جمع‌آوری و شرح مختصر اصطلاحات کتاب درسی فلسفه انجام داده که در جای خود شایسته‌ی تقدیر است. در این مجموعه، اصطلاحات فلسفی، کلامی و عرفانی با مراجعه به منابع معتبر و بر اساس روش الفبایی تنظیم شده است. آنچه پیش روی شماست، قسمت اول این مجموعه و شامل برخی اصطلاحات است که با حرف «الف» آغاز شده‌اند. برای دبیران تلاشگر این گروه، آرزوی توفیق داریم.

فلسفه
سید مرتضیٰ
مطهری



متفاوتی^۳ در این مقام مطرح شده که از جمله‌ی آن‌ها، قول به اتحاد عالم و معلوم است. مؤلف کتاب «آموزش فلسفه» در تبیین این مسأله می‌گوید: شیخ الرئیس در کتاب‌های «شفا» و «اشارات»، از برخی از فلاسفه‌ی یونان نقل کرده است که هنگامی که موجود عاقلی چیزی را تعقل کند، با آن متحد می‌شود. نیز نقل نموده که قفوریوس رساله‌ای در این زمینه نگاشته است. اما خود شیخ الرئیس این نظریه را به باد انتقاد می‌گیرد و آن را امری محال می‌شمرد.

از سوی دیگر، صدرالمتهالین در «اسفار» و دیگر کتاب‌هایش این نظریه را تأیید می‌کند و بر صحت آن پای می‌فشارد و نسبت به همه‌ی اقسام علم، حتی ادراک حسی نیز آن را توسعه می‌دهد.

تحریر محل نزاع

دانستیم که در علم حضوری به نفس، تعدد و تمایزی بین عالم و معلوم وجود ندارد. از این رو، باید آن را وحدت علم و عالم و معلوم نامید، و این علم حضوری، مورد قبول پیروان مشائیین و از جمله ابن سینا نیز هست. پس اختلاف در اتحاد عالم و معلوم، شامل چنین موردی نمی‌شود؛ خصوصاً که واژه‌ی «اتحاد» برخلاف واژه‌ی «وحدت» در جایی به کار می‌رود که نوعی تعدد و دوگانگی هم در کار باشد و در علم به نفس اصلاً تعددی جز به حسب اعتبار، وجود ندارد.

ظاهر سخنان ابن سینا این است که قائلین به اتحاد، محل بحث را به تعقل اختصاص داده‌اند که در برابر تخیل و احساس به کار می‌رود و حداکثر می‌توان آن را نسبت به علم حضوری هم توسعه داد. زیرا در سخنان فلاسفه، کاربرد واژه‌ی «تعقل» و مشتقاتش در مورد علم حضوری فراوان است. اما صدرالمتهالین، محل بحث را به مطلق علم و ادراک، اعم از حضوری و حصولی، و اعم از تعقل و تخیل و احساس،

۱. اتحاد عالم و معلوم

پس از اثبات و قبول این که نفس نسبت به ذات و قوا و صور ادراکی خود، علم حضوری دارد، این پرسش مطرح است که: آیا نفس با صور علمیه‌ی خود، اتحاد وجودی دارد، به طوری که عین مدرکات خود باشد و حقیقتش همان معارف و علمی باشد که تحصیل کرده است؟ بنا براین، یکی از مباحثی که استکمال علمی نفس متفرع بر آن است، اثبات مسأله‌ی اتحاد عاقل و معقول و یا به طور کلی، اثبات مسأله‌ی اتحاد علم و عالم و معلوم است. زیرا با تثبیت این مسأله، دانسته می‌شود که نفس طی مدارج و معارج تکاملی خویش، در هر مرتبه از مراتب علمی، خواه در مرتبه‌ی احساس، یا تخیل یا تعقل، با آن مرتبه متحد می‌شود و شدت وجودی پیدا می‌کند. در نتیجه، با اتحاد صور علمیه، از نقص به کمال، از قوه به فعلیت و از وجودی ضعیف، به وجودی اعلا و ارفع انتقال می‌یابد.

بحث اتحاد عاقل و معقول و یا به طور کلی، اتحاد عالم و معلوم، متفرع است بر بحث وجود ذهنی^۱ و قبول یک نحوه وجود در عالم ذهن. بیش تر حکما، وجود ذهنی و حصول علمی اشیاء را در نفس، به اثبات رسانده‌اند، ولی برخی آن را به کلی انکار کرده‌اند^۲. اما میان آنان که وجود ذهنی را به اثبات رسانده‌اند نیز در کیفیت حصول اشیاء در ذهن اختلاف وجود دارد. اقوال

توسعه داده و در همه ی موارد، قائل به اتحاد شده است .

توضیح عنوان مسأله

قبل از پرداختن به اصل مسأله، باید مفهوم «اتحاد» را روشن کنیم و ببینیم کسانی که قائل به اتحاد عاقل و معقول یا اتحاد عالم و معلوم شده‌اند، مقصودشان دقیقاً چه بوده است . شاید درک صحیح این معنی، به حل مسأله کمک بکند .

متحد شدن دو موجود، یا به لحاظ ماهیت آن‌هاست و یا به لحاظ وجود آن‌ها، و یا به اعتبار وجود یکی و ماهیت دیگری . اما اتحاد در ماهیت تام، مستلزم انقلاب ماهیت است، زیرا فرض یک ماهیت تام، فرض قالب مفهومی معینی است که بر هیچ قالب مفهومی دیگری منطبق نمی‌شود و یگانه شدن دو ماهیت تام، مستلزم انطباق دو قالب متباین بر یکدیگر، و به عنوان تشبیه معقول به محسوس، مانند اتحاد دایره و مثلث است .

و اما اتحاد یک ماهیت نوعی تام با ماهیت ناقص (جنس و فصل) طبق دستگاه، جنس و فصل ارسطویی، امری مسلم ولی دائمی است و با مسأله ی تعقل و ادراک ارتباطی ندارد، و چنان نیست که هنگام تعقل، چنین اتحادی برقرار شود . افزون بر این، گاهی انسان ماهیتی را تعقل می‌کند که به کلی مباین با ماهیت انسانی است و هیچ گونه اشتراک ماهوی بین آن‌ها وجود ندارد .

بنابراین، اگر کسی معتقد شود که هنگام ادراک، ماهیت موجود درک کننده با ماهیت موجود درک شونده متحد می‌شود، و مثلاً ماهیت انسان با ماهیت درخت یا حیوان یگانگی پیدا می‌کند، به امر متناقض و محالی معتقد شده است .

همچنین، اتحاد وجود درک کننده با ماهیت درک شونده و برعکس نیز محال است و اگر اتحادی بین وجود و ماهیت به یک معنی صحیح باشد، بین وجود یک موجود با ماهیت خود آن است، نه با ماهیت موجودی دیگر . پس تنها فرضی که می‌توان برای اتحاد عاقل و معقول در نظر گرفت، اتحاد وجود آن‌هاست . اکنون باید ببینیم که اتحاد دو وجود، ممکن است یا نه؟ و اگر ممکن است، به چند صورت تحقق می‌یابد؟

انحاء اتحاد در وجود

اتحاد دو یا چند وجود عینی، به معنای نوعی وابستگی یا





هم‌بستگی میان آن‌ها، امکان دارد و به چند صورت تصور می‌شود:
الف) اتحاد عَرَض با جوهر، از این نظر که عرض وابسته به جوهر است و نمی‌تواند از موضوع خودش استقلال پیدا کند. این اتحاد بنا بر قول کسانی که عرض را از شئون و مراتب وجود می‌دانند، محکم‌تر است.

ب) اتحاد صورت با ماده، که صورت نمی‌تواند از محل خودش انفکاک بیابد و مستقلاً به وجود خودش ادامه بدهد. این نوع اتحاد گاهی به نفس و بدن هم تعمیم داده می‌شود، به این لحاظ که پیدایش نفس بدون بدن، امکان ندارد؛ هر چند بقای نفس می‌تواند مستقل از بدن باشد.

ج) اتحاد چند ماده در سایه‌ی صورت واحدی که به آن‌ها تعلق می‌گیرد، مانند اتحاد عناصر تشکیل‌دهنده‌ی گیاه و حیوان. این نحو اتحاد، در واقع اتحاد بالعرض است و از اتحاد حقیقی میان هر یک از مواد با صورت حاصل می‌شود.

د) اتحاد هیولا که بنا بر فرض فاقد هرگونه فعلیت است با صورتی که به آن فعلیت می‌بخشد. و گاهی از این نوع اتحاد به عنوان یگانه اتحاد حقیقی یاد می‌شود. اما با انکار هیولا به عنوان جوهر عینی فاقد فعلیت، جایی برای آن باقی نمی‌ماند.

ه) اتحاد دو معلول که از علت مفیضه‌ی واحدی صادر می‌شوند که هر کدام از آن‌ها متحد با علت است و انفکاک آن‌ها ممکن نیست؛ هر چند چنین رابطه‌ی را اتحاد نامیدن، خالی از مسامحه نیست.

و) اتحاد هستی‌بخش با معلولش که عین ربط و وابستگی به آن است و میان آن‌ها تشکیک خاص وجود دارد. این نحو اتحاد، بنا بر قول به اصالت و مراتب داشتن وجود، تصور می‌شود و به نام اتحاد حقیقه و دقیقه، موسوم شده است.

ز) گفتنی است که اتحاد مورد بحث؛ اتحادی است که در اثر ادراک حاصل می‌شود و آن اتحاد عالم با وجود معلوم بالذات است؛ یعنی همان صورت ادراکی که در ذهن پدید می‌آید، نه با وجود خارجی آن. بنابراین، اتحاد ماده و صورت یا عرض و جوهر خارجی، ربطی به این مسأله ندارد.

با توجه به انحصار اتحاد و با توجه به این که فلاسفه علم حصولی را از قبیل کیف نفسانی دانسته‌اند، به آسانی می‌توان نوع اول اتحاد را میان آن‌ها پذیرفت و طبعاً امثال ابن سینا هم

از چنین اتحادی ابا ندارند. اما صدراالمتهین چنین اتحادی را نمی‌پسندد و می‌کوشد، نوع دیگری از اتحاد را شبیه اتحاد ماده و صورت، میان آن‌ها اثبات کند. یعنی نسبت نفس را به صورت ادراکی، نظیر نسبت هیولا به صورت می‌داند و همان‌گونه که فعلیت هیولا در سایه‌ی اتحاد با صورت، حاصل می‌شود، عاقلیت بالفعل هم برای نفس در سایه‌ی اتحاد با صورت عقلی تحقق می‌یابد [آموزش فلسفه، ج ۲، ص ۲۱۷-۲۱۴].

متحقق نباشد، بلکه وجود آن به عینه وجود معانی معقوله، و ماهیات معلومه باشد. اگرچه آن وجود نسبت به ذات عاقل، وجود خارجی عینی، و نسبت به آن معانی و ماهیات، وجود ذهنی و ظنی باشد.

۲. اتفاق (صدفه)

متفق و موافق بودن، معادل صدفه و امر بدون سبب و علت است؛ موجود بی‌علت و سبب. این کلمه در فلسفه اغلب با بخت و صدفه مترادف آمده است. قائلین به اتفاق و صدفه و بخت گویند، کون و فساد و تحولات و تبدلات و پیدایش و فناء موجودات، امری است تصادفی و اتفاقی و حوادث و امور جهان مستند به علت خاصی نیستند [فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، ص ۲۶].

حکیم سبزواری در شرح منظومه می‌فرماید:

و لیس فی الوجود الاتفاقی

اذ کلما یحدّث فهو راقی

لعلل بها وجوده و جب

یقول الاتفاقی جاهل السبب [شرح منظومه (فلسفه)، ص

۲۱۷]

ترجمه: در عالم وجود، هیچ چیز اتفاقی نیست، زیرا هر چه حادث می‌شود، پس بالا می‌رود (مستند به علمی است) که ایجاب وجود معلول را می‌کند و جاهل به اسباب، فعل را اتفاقی می‌گوید.

شرح: در عالم وجود، هیچ چیز اتفاقی نیست، زیرا هر حادثی در سلسله‌ی طولی وجودش، واجب و لازم است؛ چه آن‌که





دفتر انتشارات کمک آموزشی

آشنایی با مجله های رشد

مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش، با این عناوین تهیه و منتشر می شوند:

مجله های دانش آموزی (به صورت ماهنامه - ۹ شماره در هر سال تحصیلی - منتشر می شوند):

- رشد کودک (برای دانش آموزان آمادگی و پایه ی اول دوره ی ابتدایی)
- رشد نواآموز (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره ی ابتدایی)
- رشد دانش آموز (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره ی ابتدایی)
- رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد جوان (برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)

مجله های عمومی (به صورت ماهنامه - ۹ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

- رشد مدیریت مدرسه، رشد معلم، رشد آموزش ابتدایی، رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، رشد تکنولوژی آموزشی، رشد مدرسه فردا

مجله های تخصصی (به صورت فصلنامه و ۴ شماره در سال منتشر می شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ی ریاضی، برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)، رشد برهان متوسطه (مجله ی ریاضی، برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)، رشد آموزش معارف اسلامی، رشد آموزش جغرافیا، رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، رشد آموزش زبان، رشد آموزش زیست شناسی، رشد آموزش تربیت بدنی، رشد آموزش فیزیک، رشد آموزش شیمی، رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش هنر، رشد آموزش قرآن، رشد آموزش علوم اجتماعی، رشد آموزش زمین شناسی، رشد آموزش فنی و حرفه ای و رشد مشاوره.

ویراستاری و تخصصی برای معلمان، آموزگاران، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس

دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

نشانی: تهران، خیابان ایرانشهرنشانی، ساختمان شماره ۲ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

تلفن و نمابر: ۸۸۲۰۱۲۷۸

آموزش و پرورش

سلسله ی علل به واجب الوجود منتهی می شود. اتفاق را کسی قائل است که از سبب و علت اطلاعی نداشته باشد و نداند که شیء موجود به واجب الوجود منتهی می شود.

۳. ادراکات اعتباری و ادراکات حقیقی

ادراکات اعتباری در مقابل ادراکات حقیقی هستند. ادراکات حقیقی انکشافات و انعکاسات ذهنی واقع و نفس الامر هستند و آنچه در بیان اقسام تصورات و اقسام تصدیقات و طرز پیدایش آن ها برای ذهن گفته می شود، به ادراکات حقیقی مربوط است. اما ادراکات اعتباری، فرض هایی هستند که ذهن به منظور رفع احتیاجات حیاتی، آن ها را می سازد و جنبه ی وضعی، قرار دادی، فرضی و اعتباری دارد و با واقع و نفس الامر سرکاری ندارد. ادراکات حقیقی را می توان در برهین فلسفی یا علمی، طبیعی یا ریاضی، جا داد و نتیجه ی علمی و فلسفی گرفت. همچنین، می توان از یک برهان فلسفی یا علمی، یک ادراک حقیقی تحصیل کرد، ولی در مورد اعتبارات نمی توان چنین استفاده ای کرد.

به عبارت دیگر، ادراکات حقیقی ارزش منطقی دارند و ادراکات اعتباری ارزش منطقی ندارند. ادراکات حقیقی تابع احتیاجات طبیعی موجود زنده و عوامل مخصوص محیط زندگانی وی نیستند و با تغییر احتیاجات طبیعی و عوامل محیط، تغییر نمی کنند. و اما ادراکات اعتباری، تابع احتیاجات حیات و عوامل مخصوص محیط هستند و با تغییر آن ها، تغییر می کنند. ادراکات حقیقی قابل تطور و نشر و ارتقا نیستند و اما ادراکات اعتباری، یک سیر تکاملی و نشر و ارتقا را طی می کنند. ادراکات حقیقی، مطلق و دائم و ضروری هستند، ولی ادراکات اعتباری، نسبی، موقت و غیر ضروری هستند.

مفهوم اعتباری، محصول اندیشه ی صاحبان فکر است که به منظور مصلحت و غرضی، این امر صورت می گیرد و این، نیازها و روابط اجتماعی آنان هستند که انگیزه ی لحاظ چنین مفاهیمی می شوند. در واقع، «مفاهیم اعتباری» زاینده ی نیازهای حیاتی و روابط اجتماعی هستند؛ به طوری که اگر یک فرد، قطع نظر از نیازهای حیاتی و نظام اجتماعی، لحاظ گردد،



برگ اشتراک مجله های رشد

هیچ احتیاجی به چنین قراردادهای رنگ آمیزی های اعتباری ندارد. مفاهیم اعتباری، تماماً متعلق به ذهن و اندیشه ی صاحبان اندیشه هستند و اگر چنین اندیشه و تعلق نباشد، اساساً نمی توان وجودی برای چنین مفاهیمی لحاظ کرد؛ همچون مالکیت، ریاست و وکالت که بستگی به لحاظ و تعقل آدمی دارد.

لذا، در صورت تأمل در خارج جز دو وجود عینی انسان - که مالک نامیده می شود - و شیء خاص مثل زمین - که مملوک نام دارد - وجود سومی که «مالکیت» نامیده می شود، وجود ندارد. بلکه مالکیت مفهومی اعتباری است که به لحاظ این معنا، نسبتی بین مالک و مملوک به وجود می آید که جمیع تصرفات آن شخص (مالک) را در این زمین (مملوک) جایز می نماید. پس مفاهیم اعتباری دارای وجودات استقلالی خارجی نیستند، بلکه تعلق به عالم ذهن دارند. ولی این بدان معنا نیست که ذهن فی نفسه از جانب خود چنین معانی را ایجاد کند، بلکه ذهن را در ایجاد این معنای مددی از امور خارجی لازم است. بنابراین، ما بین آن مفهوم اعتباری و معنای حقیقی یک نحوه ی ارتباطی وجود دارد و از این رو، هر اعتباری بر حقیقتی استوار است و در همسایگی هر اعتبار، حقیقتی سکنا گزیده و چنین ارتباطی غیر قابل انکار است [کیهان اندیشه، شماره ی ۲۷، ص ۷۴-۷۳]. ماهیت ادراکات اعتباری باید با نبایدهاست و قضایایی که در مورد این ادراکات تشکیل می شوند، قضایای انشایی هستند نه خبری.^۵

زیرنویس

۱. برای اطلاع بیش تر درباره ی وجود ذهنی، رک: اسفار، ج ۱، ص ۲۶۳ به بعد؛ شرح منظومه (فلسفه)، ص ۳۸-۲۷؛ و نهایة الحکمة، ص ۴۰-۳۴.
۲. حکیم سبزواری در شرح منظومه می گوید: «فانکر الذهنی قوم مطلقاً»؛ شرح منظومه، (فلسفه)، ص ۳۰.
۳. رک: شرح منظومه (فلسفه)، ص ۳۶-۳۰.
۴. اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۲، ص ۱۳۸؛ رک: مقالات فلسفی، ج ۲، ص ۲۰۲.
۵. مقالات فلسفی، ج ۲، ص ۲۰۲؛ رک: سیر عرفان و فلسفه در جهان اسلام، ص ۱۱۸-۸۹.

شرایط

- ۱- واریز مبلغ ۲۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله درخواستی، به صورت علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
- ۲- ارسال اصل رسید بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک.

- + نام مجله :
- + نام و نام خانوادگی :
- + تاریخ تولد :
- + میزان تحصیلات :
- + تلفن :
- + نشانی کامل پستی :
- استان : شهرستان :
- خیابان :
- پلاک : کدپستی :
- + مبلغ واریز شده :
- + شماره و تاریخ رسید بانکی :

امضا:

www.rosdmag.org

Email: info@rosdmag.org

۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۵۱۱۰

۸۸۳۰۱۴۸۲-۸۸۸۳۹۲۳۲

پست الکترونیکی:

امور مشترکین:

پیام گیر مجلات رشد:

یادآوری:

- + هزینه برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی، بر عهده مشترک است.
- + مبنای شروع اشتراک مجله از زمان وصول برگ اشتراک است.
- + برای هر عنوان مجله برگ اشتراک جداگانه تکمیل و ارسال کنید (تصویر برگ اشتراک نیز مورد قبول است).

